



نخب



در نشست «الزامات و چالش های جوانگرایی در رسانه ملی» مطرح شد

راه نجات رسانه ملی از دانشگاه صداوسیما میگذرد

محمدرضا شافیه:

- دانشگاه صداوسیما همچون سازمان هدف بزرگ خود را گم کرده است.
- تفکر کارمند شدن و تضمین آینده شغلی در این دانشگاه یک فاجعه است.
- دانشگاه صداوسیما نیاز به دانشجویان زبده و دغدغه مند، اساتید-رهبر متخصص و دغدغه ساز و کارکنان آشنا به اهداف دارد.

ابراهیم فیاض:

- ارتباط با نخبگان، متفکران و روزنامه نگاران صاحب اندیشه، حلقه گمشده رسانه ملی است.
- بیت رهبری اگر میخواهد صداوسیما را سر و سامان دهد باید بر دانشگاه صداوسیما سرمایه گذاری کند.
- دانشگاه صداوسیما باید به مغز متفکر رسانه ملی تبدیل شود.



صفحه ۴

فساد در حکومت اسلامی | انقلابی گری به سبک ترامپ | سلاکتورها | انتصاب شورای مرکزی در مذمت | جامعه رسانه اسلامی | تابلو بودن

هیئت مؤسس «جامعه رسانه اسلامی» در نامه ای به رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

جامعه رسانه اسلامی در راستای پیگیری دغدغه های رهبر معظم انقلاب اسلامی بوجود آمده است



سخن امام و رهبر امت اسلامی در مهرداد ۹۴ با مدیران و متصدیان رسانه ملی مبنی بر آنکه «سنگر شما جزو برترین، مهم ترین و حساس ترین سنگرهاست ... جمهوری اسلامی است و همین رسانه ملی، بنده بارها به مسئولین رسانه ملی در گذشته گفته ام: مثل ما مثل همان رستم و یکدست اسلحه است؛ داروندار ما همین رسانه ملی است. در این نبرد عظیم و این عرصه عظیم و در این درگیری ناخواسته و ناگزیر که امروز با آن مواجه هستیم، تنها مرد میدان ما، رسانه ملی است؛ بایست در این میدان از عهده همه برپایید، از عهده کارهای خودش (هم) برپایید. و صداوسیما قراقره مقدم فعال جنگ نرم است» ما را بر آن داشت تا با تأیید آموزش و تقویت مبانی فکری انقلاب اسلامی، رشد پیشین سیاسی و انقلابی، تقویت روحیه مسئولیت پذیری و گسترش مشارکت مدنی دانشجویان دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، فعالیت جمعی از دانشجویان بامبانی مشترک تفکر اسلامی و انقلابی در جهت تحقق مطالبات حضرت امام خمینی (ره) و رهبر فرزانه انقلاب (مدظله العالی) و ولی فقیه زمان بر قالب «جامعه رسانه اسلامی» را برنامهریزی و سازماندهی کنیم. لذا از حضرت تعالی تقاضا داریم تا در این راه حمایت خویش را از ما دریغ نفرمایید.

یادداشتی در چرایی ضرورت تأسیس تشکل «جامعه رسانه اسلامی»
کارخانه تولید سلول های کارآمد برای تشکیلات رسانه ملی

سرمنزل حقیقی و صحیح خود خواهد رسید که مدیریتی بالای سرش باشد: این پیام در کجا باید داده شود، به چه اندازه باید داده شود، بهنگام باشد، با زبان مناسب باشد و تلفیق این هادر قالب های گوناگون قابل قبول باشد. این پیامی که تولید شده و ما از لحاظ اصل پیام و تحکیم و شناسایی و تدوین آن، مشکلی نداریم، برای این که بدانیم چگونه تقسیم و توزیع و پخش کنیم، مدیریت صحیح لازم دارد.



با طی این سه گام مهم، بخش های مختلف تشکیلات رسانه ملی از بخش های فنی و تحقیقاتی تا تأمین برنامه، بین الملل و خبر به وظایف خویش یعنی «شد فکری و فرهنگی و سیاسی (اعضای جامعه) و تبیین اسلام و مقابله با توطئه های تبلیغاتی دشمن» به خوبی عمل می نمایند و «افکار عمومی در اختیار (رسانه ملی) قرار می گیرد؛ یعنی می تواند افکار عمومی را مدیریت کند. وقتی این کار انجام گرفت، افکار عمومی در اختیار (رسانه ملی) است. مردم و تعالی و تکامل پیدا می کنند و انسان هایی می شوند که جمهوری اسلامی آن انسان ها را می خواهد بسازد. یعنی انسان هایی که بار سنگین رساندن پیام الهی به همه افراد مستضعف عالم را بر دوش دارند.» حال که «کانون های حزبی تشکیل می شود، هسته های حزبی تشکیل می شود، سلول های حزبی تشکیل می شود و این ها در این مرکز

شعبه ای دارد. سعی کنید خوراک فکری سیاسی مردم را در هر هفته، بلکه در هر روز، به همین منظور و با همین توجه که عده ای را می خواهید از لحاظ سیاسی تجهیز و توجیه کنید، به هدیه یارسانید.» بر این اساس و مطابق با تعریف معظم له، رسانه ملی به عنوان یک حزب و تشکیلات، وظیفه خطیری در تأمین خوراک فکری لازم برای آحاد جامعه و مخاطبانش دارد چنانچه می فرماید: «ما صداوسیما را عمده ترین مرکز هدایت فکری می دانیم. اینکه امام گفتند دانشگاه بزرگ کشور است، نخواستند تعارف کنند؛ حقیقتاً همین جور است؛ یک دانشگاه بزرگ است. ما می خواهیم از این قله، از این سرچشمه، زلال معارف درست الهی و انسانی و سیاسی و درس های گوناگون زندگی به سمت مردم سرازیر شود؛ این آن انتظار ماست از صداوسیما.»

در این راستا نخستین قدم؛ این است که ببینیم «چه چیز را باید به ذهن مردم منتقل کنیم تا مردم قدرت پیدا کنند در مقابل زیاده خواهی، اقتدارطلبی و تهاجم های گوناگون دشمن به دفاع از خود بپردازند و دستگاه های مسئول کشور بتوانند به نیروی مردم اعتماد و تکیه کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.» دومین قدم، پس از شناخت خوراک فکری، تولید پیام است. «تولید کلام و تصویر و فضا و محیطی که بشود آن پیام را القا کرد، یکی از مهم ترین کارهایی است که امروز هنر تبلیغ و پیام رسانی به آن متکی است. اگر در تولید، پیامان بلندگد یا بلند، اشتباه یا کوتاهی نکنیم، حتماً ضربه را خورده ایم.»

محمدحسین آزاد: دبیر جامعه رسانه اسلامی



رهبر معظم انقلاب اسلامی، سازماندهی نیروهای انقلابی برای فعالیت در عرصه های گوناگون کشور دارند؛ دیدگاهی که بر اساس آن، حزب «عبارت است از یک تشکیلاتی که نقش راهنمایی و هدایت آحاد مردم را به سمت یک آرمان هایی ایفاء می کند.» در تلقی حضرت آیت ... خامنه ای، حزب مطلوب، این گونه به وجود می آید که «مجموعه ای از صاحبان فکر سیاسی یا اعتقادی و یا ایمانی می نشینند و تشکیلی درست می کنند و میان خودشان و آحاد مردم کانال کشی می کنند و مردمی را با خودشان همراه می کنند، تا فکر خود را به آنها برسانند.» بنابراین، این الگو، فراتر از رقابت های انتخاباتی می رود و نه تنها محدود به فعالیت های حزبی سیاسی نیست، بلکه می توان آن را به عنوان الگویی برای فعالیت در عرصه های مختلف دیگر هم که نیازمند کانال کشی میان نخبگان و مردم است به کار برد. چنین الگویی به بهترین شکل خلأ ارتباطی میان مردم و حاکمان را کاهش می دهد و در عرصه های گوناگونی کمک می کند که همسویی و هم افزایی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی در سطوح ملی و بین المللی میسر شود.

رهبر انقلاب در دیدار با اعضای صداوسیما - که یک حزب به معنای مرسوم سیاسی آن نیست- همین الگو را مطرح می کنند: «در حقیقت، حزب یک کانال کشی برای رساندن خوراک فکری لازم به ذهن های عده ای از مردم است که در حزب اند. ما این را در جامعه مان نداریم؛ یک خلأ است. این خلأ را شما باید پر کنید. نه این که شما حزب درست کنید؛ حزب همین است. ما حزبی به نام تلویزیون و رادیو داریم که در هر خانهای هم



فساد در حکومت اسلامی

رضا کارگر:

کارشناسی ارشد مدیریت رسانه



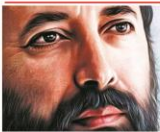
فساد در امان نبوده است. فساد که در سطوح مختلف رخ داده است؛ اما نکته‌ای که حائز اهمیت است در مرحله اول تعداد این فسادهاست و در مرحله دوم برخورد با تمامی فسادها در سطوح مختلف است. در مقوله تعداد فسادها آن چیزی که در ذهن همگان نقش بسته این است که کشور دچار فساد زیاد است. اگر از شما بپرسند که در تاریخ چهل ساله انقلاب اسلامی نشده باشد، شما نمی‌توانید موردی پیدا کنید. چراکه فساد امری اجتناب‌ناپذیر است. پس نمی‌شود فساد یک مسئول را به کسی که او را نصب کرده نسبت داد. چرا که در زمان انتصاب یک فرد برای یک مسئولیت، ممکن است فرد تاهل‌حال سالم و پاک بوده باشد اما در مسئولیت جدید و قرار گرفتن در قدرت، ضعف‌های درونی او آشکار و موجب سوءاستفاده شود. همچنین نمی‌توان فساد یک یا چند مسئول را به حکومت نسبت داد، زیرا آن چیزی که در مسئله فساد مهم‌تر از خود وقوع فساد است، برخورد با آن است؛ یعنی عزم راسخ حکومت برای برخورد با فساد در سطوح مختلف مشهود است. جمهوری اسلامی نیز مانند سایر حکومت‌ها از گزند

نمی‌تواند خود را کنترل کند و بلغزد و مرتکب فساد شود. حال آن‌کسی که این فرد را منصوب کرده است چه گناهی دارد؟ هرچند تا جایی که ممکن است باید ابزارهای مدیریتی و نظارتی به‌گونه‌ای مراقبت کنند که حتی از وقوع فساد در چنین افرادی جلوگیری شود اما دوران و حکومت‌ها به ما نشان می‌دهد این است که فساد امری اجتناب‌ناپذیر است. پس نمی‌شود فساد یک مسئول را به کسی که او را نصب کرده نسبت داد. چرا که در زمان انتصاب یک فرد برای یک مسئولیت، ممکن است فرد تاهل‌حال سالم و پاک بوده باشد اما در مسئولیت جدید و قرار گرفتن در قدرت، ضعف‌های درونی او آشکار و موجب سوءاستفاده شود. همچنین نمی‌توان فساد یک یا چند مسئول را به حکومت نسبت داد، زیرا آن چیزی که در مسئله فساد مهم‌تر از خود وقوع فساد است، برخورد با آن است؛ یعنی عزم راسخ حکومت برای برخورد با فساد در سطوح مختلف مشهود است. جمهوری اسلامی نیز مانند سایر حکومت‌ها از گزند

بشر به دلیل نوع خلقت و ذاتش همیشه در معرض فساد قرار داشته است. خصوصاً زمانی که بشر به قدرت دست پیدا می‌کند. زمانی که اختیارات او بیشتر می‌شود، زمان خوبی برای آزمون اوست. یکی از دغدغه‌های اصلی انسان‌ها در زمان تشکیل دولتها فساد کارگزاران و نحوه برخورد با آن بوده است. شما در طول تاریخ بشر نمی‌توانید هیچ دولتی را پیدا کنید که فساد نداشته باشد. دلیل آن هم روشن است. تا بشر هست فساد هم هست. تنها راه، کاهش فساد و مقابله با آن است. حتی دولت‌هایی که معصومین (ع) هم تشکیل دادند دارای فساد بودند؛ اما اهتمام به برخورد با فساد در حکومت معصومین و سیستمی نبودن آن مشهود است. دو نکته مهم در مقوله فساد وجود دارد: اول انتخاب مسئولی است که فساد می‌کند، دوم برخورد با مسئولی است که فساد می‌کند.



دیدار رضایی رهبر معظم انقلاب اسلامی با دانشجویان را می‌توان صریح‌ترین و شیرین‌ترین دیدار سالانه ایشان نامید. در یک فضای هیجان‌انگیز نمایندگان شکل‌های دانشجویی به بیان مواضع خود نسبت به رویدادهای داخلی و خارجی می‌پردازند و رهبر انقلاب نیز راهبرد و خط و مشی سالانه فعالان دانشجویی را تعیین و تبیین می‌کنند. چند سالی است که با درخواست دانشجویان و تأیید رهبری زمان جلسه به بعد از افطار هم می‌کشد و ایشان بین ۳ تا ۵ ساعت با دقت تمام، صحبت‌های دانشجویان را می‌شنود و به آنها پاسخ می‌گوید. سال گذشته بود که در همین جلسه، فرمان آتش به اختیار توسط ایشان صادر شد و پس از آن تفسیرها و تحلیل‌های بسیاری را به همراه آورد. دانشجویان نیز ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف را به نقد کشیدند از جمله رسانه ملی که توسط سه نفر از نمایندگان دانشجویی مورد انتقاد قرار گرفت. متأسفانه این موضوع باعث شد تا بر خلاف رویه سال‌های پیش از آن، مشروح سخنان دانشجویان از شبکه یک سیما پخش نشود و تنها به گزیده‌ای از آنها در اخبار سیما بسنده گردد. با توجه به صراحت و صداقت دانشجویان از رسانه ملی انتظار می‌رود که اسامال مشروح صحبت‌ها را طی چند شب به استحضار ملت ایران برساند.



الگو مثل چمران

خرداد، ماه چمران است؛ ماه بزرگمردی که علم را با ایمان و بین‌المللی کرد و در تمام این میدان‌ها، مصطفی چمران همان الگوی دانشگاهی است که انقلاب ما برای نیل به اهدافش به آن نیاز ضروری دارد. انسانی که در اوج جایگاه علمی، خاضع‌ترین است و علمش مانع از تکلیفش نشد چه بسیارند کسانی که رسین به اندک جایگاهی از علم یا قدرت سرمستشان می‌کند و هوای روشنفکری-به معنای غیرواقعی‌اش- برشان می‌دارد و چنان در علم اندک مادی‌شان غوطه‌ور می‌شوند که گویی جهان در وجود آن‌ها خلاصه شده است. چمران ترجمان استادی است، استادی عالم که علمش را جهت صحیح بخشید و اجازه نداد علم خالی از خدای غرب طغیان کند و وی را چون برخی از عالمان روسیه به وادی ضلالت کشاند. چمران به معنای راستین کلام، احساس مسئولیت دینی، ملی و بین‌المللی کرد و در تمام این میدان‌ها، عالمانه، عاشقانه و عارفانه نقش‌آفرینی کرد، از فرماندهی در بلندی‌های جبل عامل برای دفاع از مظلوم در برابر ظالم غاصب صهیونیستی تا فرماندهی در باوه و سوسنگرد در برابر متجاوز به اسلام و ایران. راز همه این دلوری‌ها یک نکته مهم و آن خدایاری است، خدایی که چمران عاشقش شده و مخاطب خاص تمام نجاهای شب و روزش گشته همین جسات را به وی می‌دهد تا در دوقطبی‌های دستان پر از سلاح‌های مرگبار قلدرمآبان و دستان خالی جوانان ایرانی و لبنانی، برای اندک لحظه‌ای احساس ناامیدی و ترس به خویش راه نهد و دست و پا و جوارح خداترس را برای فائق آمدن بر خمدوحشم مسلح دشمن تهی از ایمان کافی بداند. تلمام این خدای بی‌غلو و حضور مؤثرانه در جنبش‌های دانشجویی همان دلایلی است که انتظار رهبر انقلاب از خروجی دانشگاه‌های جمهوری اسلامی را چمران‌ها می‌کند.



انقلابی‌گری به سبک ترامپ

احمد شیرزادیان:



آمریکا برای مردم کشورش در زمینه حرف و عمل برای ما یادآور مفهومی آشناست. همان مفهومی که برای آن انقلاب کردیم و قرار شد افرادی را تربیت کنیم که با روحیه انقلابی در برابر هرگونه ظلم دشمن با قاطعیت بایستند و برای تحقق آرمان‌های خود و عمل به آن‌ها از هیچ چیز فرونگذارند. دونالد ترامپ روزهایی که به تبلیغ انتخاباتی مشغول بود، حرف اول او تغییر شرایط بود و می‌گفت که اگر بعنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود به وعده هایش عمل خواهد کرد، بعد از انتخابات، بسیاری مخالف سکان‌داری او بودند اما او حالا حداقل این جرعه را در ذهن‌ها زده است که می‌توان به همه وعده‌ها در قامت ریاست جمهوری جامعه عمل پوشاند. شاید این روزها مردم بیشتر تشنه دیدن افراد باصلابت و قاطع در عرصه سیاسی باشند، تعریف من از چنین شخصی، همان شخص انقلابی است یعنی کسی که قاطع بودن در ذات اوست، وقتی صحبت می‌کند پای حرفش می‌ایستد، این موضوع حداقل ثابت می‌کند که شخص قابل اعتمادی است. علاوه بر این، شخص انقلابی که در چارچوب آیینی و متعصب به فرد ما قرار می‌گیرد تضمین‌کننده خواسته‌ها و تکیه‌گاه همه افراد است. از دیگر مصادیق انقلابی‌گری در چارچوب آیینی ما، همان‌طور که بزرگان ما گفته‌اند در بعد عام

معرفی کتبی که لازم است بخوانیم

کتابخانه من

به توان
تشکیلات

سلمان هاشمیان
و جواد جلولانی

کتاب حاضر به قلم یکی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه سوادیسوا یعنی سلمان هاشمیان و با همکاری جواد جلولانی نگاشته شده است. این کتاب با این عنوان شروع می‌شود که چرا بعد از سی سال از انقلاب اسلامی هنوز ضرورت کار تشکیلاتی و کار گروهی منسجم و تشکیل هسته‌های مقاومت در میان جبهه فرهنگی انقلاب حس نمی‌شود؟ هزاران مجموعه، پایگاه، کلون، حوزه، ارگان و سازمان داریم، کلیه نیرو داریم، همه هم توی هم می‌لولند؛ اما چرا چندان هم صورت نمی‌گیرد. مشکل کار در کجاست؟ چرا نیروهای ما مدام کاسه که کتم چه کتم دست گرفته‌اند؟ نمی‌دانند امروز چه وظیفه و مسئولیتی بر دوش دارند؟ اولویت بچه‌های فرهنگی دهه چهارم انقلاب چیست؟ این مجموعه شاید بهانه‌ای باشد برای پاسخ به این دغدغه‌ها. «تصادف هندسی در فعالیت‌های فرهنگی انقلابی» عنوان دومی است که روی جلد کتاب خودنمایی می‌کند. این تعبیر بدان معنی است که در فعالیت‌های گروهی اگر اصول کار تشکیلاتی رعایت شود، توان افراد با هم جمع نمی‌شود، بلکه در هم ضرب می‌شود و به «توان» و «تصادف» بالا می‌رود. برای تهیه این مجموعه، هزاران صفحه از کتب، جزوات، سخنرانی‌ها و پایگاه‌های اینترنتی گردآوری، خلاصه نویسی و مطالعه شده است. ده‌ها ساعت مصاحبه و مشورت صورت گرفته است و حاصل آن این بود که منابع محدود و پراکنده را به صورت منسجم همانند یک دایره المعارف در اختیار مخاطب تشکیلاتی خود قرار دهد.



نقدی ادیبانه بر هنرمندان بی هنر شهرت طلب

محمد رزمجو:

کارشناسی مترجمی زبان (نویسنده همکار)



مذکور، با توجه به بلیطی که تهیه کرده، قصد سفر به زمین را دارد. اگرچه در گذشته نیز خود و در این می خانه به دنبال ماهی های تازه دم می گشت. کام های سنگین دودهای خارج شده از کله اش، مهاجران مذاقش را نیز بخوری کرده بود. همچنین به وی اجناسی سنتی پیشنهاد شد چراکه هنرمندان گذشته اصالتی استوارتر از خود بروز می دادند. بودند و هستند مردان و زنانی که روی ماه را سفید کرده اند از آن جهت که معنا و مفهوم را در توبره پهللو بسته بندی کرده و در قالب اجرا و متن و رسمی شگفت انگیز به عرض مخاطب رسانده اند. خبر رسیده است فرشته جدید با بحران اساتید مجرب مواجه نشود!

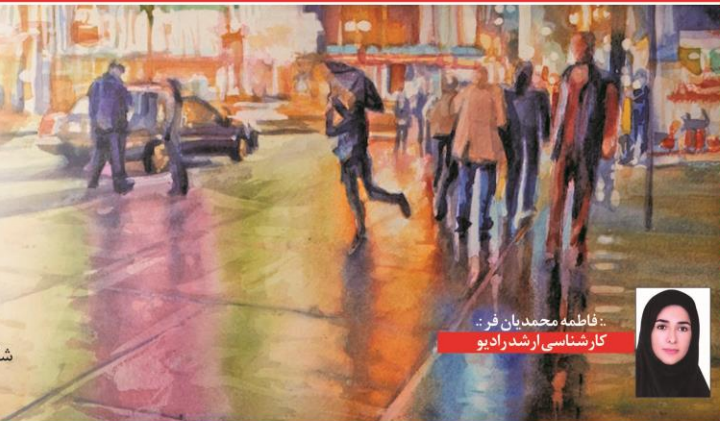
جمع گردانید و قصه های شب مجید را به تحریر اساتید زبان زد شهر و کشور به تصویر کشید. مصوران داستان، نقوش درهم تنیده شاعری بود که در فغان یار، دست و پا خیز را بر روی آتش کز می داده و به یاد چشم و خال و گیسوهای بیگودی خورده ی وی، در رؤیای وصال، شب را به روز تقدیم می کرد. بازیگر نقش دل داده در پرده ارکان و کنسرت اجرا، قر را از کمر جدا نمی کرد و همچو یاری همیشگی به همراهی می طلبید. اگرچه در این میان نمی شد از دفاع های ارزشی او چشم پوشید که با پوششی آوانگار، هیزم به آتش فتنه ریخته و به یاری

به زمان پشر، حسابش خارج است وقتی که ایزد دست به قلم برد و موجودی خاکی را خلق کرد. از برای تفهیم عمق معنای هنر خلقت، ترجیح کلمات به لزوم هنرمند بود. فرشته ای شمشیری منقش به نگین هایی و خاتمی اصلیل از مهد هنر آمد، بر عرض شانه بشری نهاد وی را به رسالت هنر برگزید. قدوم مبارک خویش را بر خاک تپه فرود آورد و در شرایطی کاملاً اسلامی، پوششی برگزید که تنها تفاوتش با حیوانات، جنس قدم زدنش بود. سیرک هنر عرصه را باز کرد و قاصه های دلبر و فکور چشم زخم را گرد آتش فروخته به قلم روشن فکران

سکوت پهللو گرفته

در نمایی گنگ
در فریاد خاموش شهر
در باور تنهایی ام
مرگ را ترسیده بودم
وقتی نسیم به در می کوبید
انتظار بر باد رفته ام را
خواب صبح را پریدم
اینجا اما

در همسایگی ام
شکی خوابیده است که مدام قصه می بافت رویای شبانه اش را و
یقین در غباری از مه سکوتی پهللو گرفته را کابوس میبیند



فاطمه محمدیان فر:

کارشناسی ارشد رادیو



نقدی بر سطحی سازی جامعه توسط چهره ها

سلبریتی ها و سلب حق انتخاب و آزادی مردم

کند تا شرایط را مطابق خواسته اش رقم بزند. البته باید بررسی کرد که چرا سلبریتی ها به خود چنین اجزایی می دهند تا اندیشه ی پیروانشان را در اختیار بگیرند؟ بی شک راهکار اصلی آن است که احاد جامعه به سطحی از آگاهی برسند تا هر کسی نتواند به راحتی انتخاب و آزادی شان را باز بچیه و دستاویز اهداف و آمال خویش قرار دهد. اگر بجای اینکه پیرو باشیم و تحت تأثیر تمایلات دیگران، خودمان برای خودمان تصمیم بگیریم، بی شک وضعیت بهتری در انتظارمان خواهد بود.

برای مثال در انتخابات ریاست جمهوری شاهد شبکه های اجتماعی هم قانزند هر کسی را با اندک شیرین کاری و ذوقی به راحتی سلبریتی این افراد با استفاده از شهرت خود قدرت اندیشیدن، انتخاب و آزادی را از طرفداران خویش سلب می کنند و با به کار گیری قدرت شهرت، فکر خود را بر آنها تحمیل می کنند، این در حالی است که بعضی از همین افراد در حیطه ای که اظهار نظر می کنند از اندک سودای هم فر د سلبریتی نباید از این محبوبیتش سواستفاده

آنان در جامعه شده است چنانچه این روزها شبکه های اجتماعی هم قانزند هر کسی را با اندک شیرین کاری و ذوقی به راحتی سلبریتی این افراد با استفاده از شهرت خود قدرت اندیشیدن، انتخاب و آزادی را از طرفداران خویش سلب می کنند و با به کار گیری قدرت شهرت، فکر خود را بر آنها تحمیل می کنند، این در حالی است که بعضی از همین افراد در حیطه ای که اظهار نظر می کنند از اندک سودای هم فر د سلبریتی نباید از این محبوبیتش سواستفاده

سیدعلیرضامیرمحمدی:

کارشناسی روزنامه نگاری



بسیاری از ما بارها و بارها دیده و یا شنیده ایم که فلان لباس و فلان نظر و سخن از یک فرد مشهور یا به اصطلاح سلبریتی در بین افراد جامعه مَد شده و ترویج پیدا کرده است. سلبریتی (celebrity) به معنای شهرت است و به چهره ها و مشاهیر اطلاق می شود. این چهره ها می توانند بازیگر، فوتبالیست، سیاستمدار و یا از هر قشری باشند که اتفاقی خاص موجب بروز

نوستالوژی ها خانه به دوش



محسن علیخانی:

کارشناسی ارشد مدیریت رسانه

سنت ساخت و پخش سریال برای ماه مبارک رمضان از سال ۸۰ بطور رسمی رواج یافت و این دهه پر است از سریال های ماه رمضان نوستالژیک. در این شماره رفته به سراغ علاقه خودم یعنی خانه بدوش! ولی انصافاً غیر از علاقه شخصی از این انتخاب قصدی دارم که در خلال مطلب به آن اشاره خواهم کرد. خیلی ها رضا عطاران را ساده اندیشی می دانند که کارهایی سطحی می سازد و روی مرز لودگی حرکت می کند اما با اجازه شما من با این نظر کاملاً مخالفم. اتفاقاً عطاران انسانی است و خوش فکر. او به مسائل پیچیده ساده می نگرد و همین رمز موفقیت اوست. ۱۴ سال است که پیش نیامده ماه رمضان باشد و خانه بدوش عطاران باز پخش نشود. محال است! در خانه بدوش مخاطب در عین سادگی ظاهری اجرا با پیامی عمیق در زیر لایه روبروست. سریال طنز است و شیرین، ولی در عین حال آبرومند است. اصلاً با لودگی میانه ای ندارد.

آقا ماشااا! که سال ها قبل شرکتش را با باجنقاش (اصلان) به هم زده و زندگی فقیرانه را بر ثروت نامشروع ترجیح داده توسط نقشه باجنقاش که حالا مردی ثروتمند است با بیات آشنا می شود. بیات که آدم اصلان است آقا ماشااا! را تشویق به خارج رفتن می کند. آقا ماشااا! با قرض و قرضه از اطرافیان راهی مالزی می شود؛ اما در فرودگاه متوجه می شود که مالزی در کار نیست. در این خلال با احمد که او هم همین کلاه سرش رفته است آشنا می شود. هر دو که روی برگشت به خانه ندارند به کارگاه کفایش حاجی که از دوستان احمد است می روند. در کنار کار در کارگاه به دنبال بیات می گردند. بالاخره با پیدا کردن منشی بیات رد او را می زنند و در نهایت متوجه می شوند که بیات آدم اصلان است. در نهایت پول ها را از آن ها پس می گیرند و بیات را تحویل قانون می دهند. اصلان هم که متنبه شده توسط آقا ماشااا! بخشیده می شود و خودش را به پلیس تحویل می دهد. احمد با ترکس دختر ماشااا! و علی پسر آقا ماشااا! با ژنوس دختر اصلان ازدواج می کند.

پایان سریال بسیار سطحی است و قابل پیش بینی؛ اما این عطاران است که همین کلیشه را جوری به خورد مخاطب می دهد که آن را بالا نیاورد! انقدر شخصیت ها واقعی و نزدیک به مخاطب اند که مخاطب از دیدنشان هیچوقت خسته نمی شود، چراکه آدم هیچوقت از دیدن خودش خسته نمی شود. همان طور که از دیدن ریختن قیমে ها تو ماستا! یا ماستا تو قیمه ها خسته نمی شود.

اما قصدم از انتخاب خانه بدوش فقط علاقه نبود. خانه بدوش جزو معدود سریال های ماه رمضان است که اتفاقات آن در ماه مبارک رمضان می گذرد و شخصیت ها روزمان. سریال کاملاً باحال و هوای ماه رمضان ساخته شده است. چیزی که در سریال های اخیر کمتر می بینیم. سریال های اخیر در هر زمان دیگر سال قابلیت پخش داشته است.

اما رضا عطاران پس از بزنگاه دیگر برای تلویزیون کار نکرد. البته شاید به فشارهایی که سر بزنگاه بر او وارد کردند بی ربط نباشد. ولی شاید ممنوع تصاویری او خیلی جدی نبود چراکه سریال های او باز پخش می شدند ولی این شایعه زمانی که در سه ستاره با احسان علیخانی گفتگو کرد به کلی منتفی شد. منکر این نیستیم که او از تلویزیون ناراحت است اما شاید سینما طعم بهتری برای او دارد. عطاران که نزدیک ۵۰ سال سن دارد حال به یک بازیگر پول ساز تبدیل شده است. دل و دماغ کارگردانی هم ندارد. این را در یک مصاحبه اینترنتی گفت؛ اما عطاران جایش خالی است. جای طنز در تلویزیون خالی است. جای سریال های باحال و هوای رمضان خالی است. ای کاش عطارانی دیگر ظهور کند. قاب ما خالی است.

امام رضا علیه السلام:

نیکی ها در ماه رمضان پذیرفته و بدی ها در آن آمرزیده است
کسی که در ماه رمضان آیه ای از کتاب خداوند بخواند همانند
کسی است که در ماه های دیگر قرآن را ختم کرده است.

بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۱ - ۳۴۰

در مذمت قاتلو بودن



جلال خالقی :
کارشناسی ارشد روزنامه نگاری

نزدیک به یک دهه قبل، زمانی که در خبرگزاری ایرنا خبرنگار گروه سیاسی بودم، همکار و به لحاظ سنی و تجربه‌ای بهتر است بگویم استادی داشتم که تجربه انجام چند مأموریت طولانی مدت خبری خارج از کشور در مناطق مختلف جنگی و محیط‌های آرام‌تر را در چنته داشت. فرد یادشده که اتفاقاً عنصر بشدت مذهبی و به اصطلاح حزب الهی هم بود، هر زمان فصل تولیدات خبری مناسبی همچون ۲۲ بهمن، روز قدس، ماه رمضان و یا دهه محرم می‌شد، عزامی گرفت که چرا تولیدات رسانه‌های جبهه انقلاب از جمله همان خبرگزاری و البته در رأس آن‌ها صدوسیما این قدر به تعبیر وی گل‌درشت اند.

همواره به ما تذکر می‌داد این روش‌های تبلیغی زیر و زخم را فقط در کشورهای بلوک شرق سابق دیده و همان‌ها نیز پس از فروپاشی شوروی کم‌کم به این نتیجه رسیدند که باید فاز تبلیغات رسانه‌ای خویش را بهبود بخشیده و غیرعلنی‌تر کنند. تعبیر گویای گل‌درشتی یا زخمی فقط مبتلایه ما نیست، بلکه یکی از سرفصل‌های اساسی است که در جبهه رسانه‌ای جریان معاند انقلاب نیز سبب جذب مخاطب محدود برای شبکه‌ای همچون صدای آمریکا و گستره مخاطب چشمگیرتر برای بی‌بی‌سی فارسی و تا حدودی یورو نیوز شده است. از پنجشنبه‌شب و پخش مستند بشدت قانع کننده «بدون فیلتر» که بگذریم، به عنوان دانشجوی یکی از رشته‌های مرتبط با رسانه و

فردی که مثلاً قرار است نگاه ریز بین تری به این عرصه‌ها داشته باشیم، آخرین باری که از دیدن محتوای علنی یک برنامه تلویزیونی یا صحبت‌های گل‌درشت مجری فلان جنگ زنده مناسبی رنج برده‌اید چه زمانی بوده است. و نکته دیگر اینکه نویسنده این خطوط که فقط چند هفته قبل بخاطر خوش آمد فلان مدیر سازمان، با علم به شعاری و گل‌درشت بودن سؤالات مطرح شده از سوی آن مقام عالی رتبه، سؤال یاد شده را در متن برنامه تولیدی گنجانده است اکنون صلاحیت لازم برای گلایه از شعار زدگی در تولیدات رسانه ملی را دارد. به راستی که دوگانه دانش اندک و عافیت‌طلبی شایبیت ناکارآمدی‌های امثال نگارنده در جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی است. دانش اندک آنکه که به حداقل‌های عرفی شده و متعلق به دهه های قبل در روش‌های نگارش متن و تهیه محتوا اکتفا می‌کنیم، وقت صرف نمی‌کنیم تا دانش خود را در حوزه مخاطب شناسی، روان شناسی اقناع، افکار عمومی و سایر سرفصل‌های مورد نیاز دیگر به روز رسانی کنیم. و بدتر از آن عافیت‌طلبی، آنکه که همان مختصر دانسته‌ها را نیز به کارگیری نکرده و اجازه می‌دهیم مدیر مربوطه با مجموعه سفارش دهنده ما را در مسیری قرار دهد که نیک می‌دانیم به لحاظ فنی قابل دفاع نیست، چرا که شجاعت لازم را نداریم و ریسک ناپذیرتر از آن هستیم که به وی متذکر شویم آنچه برای عرصه بشدت روزآمدی همچون رسانه طلب می‌کند به دهه قبل بلکه دهه‌های قبل تعلق دارد و اکنون به‌جز منجر شدن مخاطب مواجه با طوفان تولیدات رسانه‌ای خوش ساخت جریان‌های مختلف داخل و خارج

تبلیغ مستقیم و زبانی را از سطحی ترین لایه های کار رسانه ای عنوان کرد. فیاض نسبت به پخش فیلم هایی نظیر قرار از زندان که به نوعی تبلیغ سازمان های جاسوسی و امنیتی آمریکایی است انتقاد کرد و پخش این فیلم سربال‌ها در رسانه ملی را نشانه عدم درک صحیح متولیان امر نسبت به ماهیت چنین فیلم هایی دانست. وی راه برون رفت رسانه ملی از وضعیت کنونی را منوط به محور شدن دانشگاه صدوسیما و منشأ تولید فکر و اندیشه شدن آن دانست و بر نقش دانشجویان در تحقق این مهم تأکید کرد. در این نشست حسین شاهرمدی مؤثر بودن جوانگرایی را منوط بر رویه تحول گرایی جوانان دانست و از نقش کمرنگ فارغ التحصیلان دانشگاه صدوسیما و تهیه کنندگان رسمی این سازمان در تولید برنامه های رسانه ملی گلایه کرد. مهدی سالم نیز بر لزوم حضور جوانان متخصص و مؤمن در بدنه مدیریتی رسانه ملی تأکید کرد و یکی از مزایای مهم بکارگیری جوانان را نزدیکی و انس بیشتر آنان با بدنه جامعه عنوان کرد. مدیر شبکه امید به آفت‌هایی نظیر رقابت در کسب قدرت اشاره کرد و حفظ روحیه انقلابی پس از دست یابی به منصب را ضروری دانست.

@iribuscim

جهت درج مطالب خود در
گهنامه نبض صدوسیما از
طریق ادمین کانال و یا ارسال
پیامک به
۵۷۵۷۵۷۰۰۰۰۰۰۰۰ اقدام نمایید

شناسنامه

گهنامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
جامعه رسانه اسلامی - دانشگاه
صدوسیما

مدیرمسئول:
محمدحسین آزادی
سرمدیر:
رضا کارگر

هیئت تحریریه این شماره:
محمدحسین آزادی، رضا کارگر، احمد
شیرزادیان، محسن علیخانی،
سیدعلیرضا میرمحمدی، فاطمه
محمدیان، محسن علیخانی، جلال خالقی

این نشریه صرفاً منعکس کننده نظرات نویسندگان می‌باشد
و مواضع رسمی این تشکل در بیانیه هاشم‌تر میگرد.

اعضای شورای مرکزی جامعه رسانه اسلامی منصوب شدند



دبیر واحد خواران | الهام نادری مقدم | دبیر تشکل | محمدحسین آزادی | دبیر واحد تشکیلات | رضا کارگر | دبیر واحد آموزش | حسین درکه | دبیر واحد فرهنگی و رسانه | سیدمحمدانپس نقوی

به گزارش گاهنامه نبض در اولین جلسه تشکل جامعه رسانه اسلامی پس از اخذ مجوز مطابق با اساسنامه اعضای شورای مرکزی این تشکل منصوب شدند به این ترتیب محمدحسین آزادی به عنوان دبیر تشکل، رضا کارگر دبیر واحد تشکیلات، حسین درکه دبیر واحد آموزش، سیدمحمد انپس نقوی دبیر واحد فرهنگ و رسانه و خانم الهام نادری مقدم به عنوان دبیر واحد خواران انتخاب شدند. همچنین با تصویب شورای مرکزی آقای محمد نقوی به عنوان دبیر واحد دانشکده دین و رسانه قم منصوب شد. وظایف واحدهای مختلف جامعه رسانه اسلامی بدین شرح است:

واحد تشکیلات: مدیریت کلیه امور مربوط به اعضا از طریق شناسایی، جذب، تقسیم بندی و آموزش و ارتقا اعضا پس از مراجعه به جامعه رسانه اسلامی بر عهده این واحد است.

واحد سیاسی: برنامه ریزی و تلاش برای افزایش آگاهی سیاسی دانشجویان و همچنین دعوت از صاحب نظران و فعالین علوم سیاسی، جمع آوری اخبار و اطلاعات سیاسی و

تهیه خبرنامه سیاسی، برگزاری جلسات و همایش های سیاسی و بیانیه نویسی از اهم وظایف این واحد است.

واحد فرهنگ و رسانه: اهم وظایف این واحد، اشاعه ی فرهنگ اسلام ناب در میان دانشجویان و افزایش سطح آگاهی های فرهنگی، اعتقادی و سطح فکری دانشجویان و آشنایی هر چه بیشتر آنان با مبانی فکری انقلاب اسلامی و به طور کلی برنامه ریزی در جهت پیشبرد برنامه های فرهنگی جامعه است. این واحد همچنین موظف به گفتمان سازی و نیل به هدف والای تحقق رسانه تراز اسلامی است.

واحد آموزش: وظایف این واحد، حفظ و صیانت از جهت گیری اصیل جامعه رسانه اسلامی و همچنین برنامه ریزی در جهت رشد و تقویت مبانی اعتقادی، معرفتی، سیاسی و تشکیلاتی اعضا و پرورش تشکیلات در جهت تحقق آرمان های اسلام ناب محمدی (ص) است.

واحد روابط عمومی: واحد روابط عمومی وظیفه اصلی شناساندن جامعه رسانه اسلامی را بر عهده داشته و در عرصه تبلیغات باید

گزارش نبض از نشست جوانگرایی در رسانه ملی راه نجات رسانه ملی از دانشگاه صدوسیما میگذرد



به گزارش گاهنامه نبض نشست «لزومات و چالش های جوانگرایی در رسانه ملی» به همت جامعه رسانه اسلامی و با حضور ابراهیم فیاض عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، مهدی سالم مدیر شبکه امید، محمدرضا شافه مدیر فیلم باشگاه سوره و حسین شاهرمدی مدیر مرکز رسانه های شیرازه در دانشگاه صدوسیما برگزار شد. مهم ترین صحبت های این نشست که با محوریت دانشگاه صدوسیما پیش رفت توسط شافه و فیاض مطرح شد.

شافه ضمن تأکید بر نقش مهم دانشگاه صدوسیما در جوانگرایی و تربیت انسانی، تحول در سازمان صدوسیما را منوط به تحول در این دانشگاه دانست. مدیر باشگاه فیلم سوره که خود از فارغ التحصیلان دانشگاه صدوسیما بوده ضمن ابراز نگرانی از به فراموشی رفتن هدف اصلی دانشگاه، پیگیری چهار مؤلفه جذب دانشجویان زبده، فعال و دغدغه مند، حضور اساتیدی که علاوه بر تخصص علمی، توانایی رهبری و هدایت دانشجویان را داشته باشند، توجیه کارکنان دانشگاه نسبت به هدف مهم آن و تعامل مناسب آنان با دانشجویان و غریبال استعدادهای برتر دانشجویی و جهت دهی به آنها را برای توفیق دانشگاه ضروری دانست. شافه ضمن انتقاد از نگاه استخدای و تضمین آینده شغلی بین دانشجویان، این نوع نگاه را فاجعه ای برای دانشگاه و دانشجویانش خواند که می تواند دانشگاه را هر چه بیشتر به سوی فضای رکود و بی انگیزگی پیش ببرد.

اما ابراهیم فیاض انتقادات صریحی را نسبت به رسانه ملی مطرح کرد، وی با اشاره به عدم توفیق رسانه ملی در نیل به اهداف و رسالت ها و جلب اعتماد عمومی، لزوم ارتباط گیری این سازمان با جامعه دانشگاهی و نخبگانی کشور را دارای اهمیت دانست. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران ضمن انتقاد از عملکرد رسانه ملی در بحران های سیاسی و اجتماعی نظیر وضعیت فعلی شهر کازرون، عملکرد صادقانه و عاقلانه صدوسیما در این مواقع را ضروری دانست.

فیاض کتاب و تحقیقات علمی را پایه و اساس کار رسانه ها دانست و بر لزوم بهره مندی رسانه ملی از مراکز و شخصیت های علمی تأکید کرد. استاد دانشگاه تهران، عدم ارتباط گیری رسانه ملی با روزنامه نگاران توانمند را از نقدهای موجود دانست و حضور چهره های مطبوعاتی در بخش های خبری رسانه ملی را ضروری برشمرد. این استاد جامعه شناسی از پخش برنامه های سطحی در حوزه معارف دینی انتقاد کرد و

ادامه در ستون مقابل

گزارش تصویری یک بازدید

به همت واحد فرهنگ و رسانه جامعه رسانه اسلامی تعدادی از دانشجویان دانشگاه صدوسیما از نزدیک با فعالیت های حوزه هنری انقلاب اسلامی آشنا شدند. همچنین در این دیدار فیلم «تنگه ابوقریب» به عنوان بهترین فیلم جشنواره فجر به طور اختصاصی برای دانشجویان اکران گردید و کتاب «ردوگاه اطفال» نیز به آنها اهدا شد.

